

گنجینه فزنیان

۱۴۳

سال پانزدهم
تیر ۱۳۷۷
بها: ۱۲۰۰ ریال
ISSN 1023 - 0289

- غزلها و جهان بینی سعدی
- نظریه انسان کامل در مکتب ابن عربی
- آشنایی با الهیات مسیحی معاصر
- تحقیق در اوزان عروضی دیوان سلمان ساوجی
- نهضت سیاسی - مذهبی مشعشعین
- آموزش عالی در ایران
- نقش و جایگاه مردم در حکومت دینی
- ارزشهای پایداری در معماری ایران
- و...

میزگرد این شماره:

حرکت بر صراط مستقیم یا کژتابی در قلمرو عرفان



تحقیق در اوزان عروضی

دیوان سلمان ساوجی

محمد تقی قندی

وزن فضیلت شعر است همراه با عاطفه به شعر جان می‌بخشد و سبب تخیل یا تهییج عواطف می‌گردد و تصویر عواطف بدون آن میسر نیست. وزن چیست و چگونه به وجود می‌آید؟

«وزن نوعی تناسب است، تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد، تناسب اگر در مکان واقع شود آن را قرینه می‌خوانند و اگر در زمان واقع شود وزن خوانده می‌شود» (۱)

این وزن در دو صورت رخ می‌نماید:

الف) در حالتی که شاعر توانایی سرایش شعر ناب را می‌یابد یعنی شعری می‌گوید که برخاسته از تجربه شخصی اوست. در این حال «وزن از نظرگاه شاعر، انتخابی و اختیاری نیست و شاعر وزن را به طور طبیعی از نفس موضوع الهام می‌گیرد و هنگامی که موضوع به خاطرش می‌رسد، وزن نیز همراه آن است» (۲)

ب) حالتی که شاعر آگاهانه وزنی را برای سرودن شعر انتخاب می‌کند در این صورت وزن، انتخابی و اختیاری است و هستند شاعرانی که به قصد و عمد می‌کوشند اوزان مختلفی را در شعر خود به کار گیرند و ضمن آشکار ساختن مهارت خویش در این حوزه شعر خود را متنوع‌تر سازند. از این جمع شاعران می‌توان از سلمان ساوجی نام برد، شاعری که ۳۵۹ غزل و ۱۱۲ قصیده و سه ترجیع‌بند خود را در ده وزن سروده است و ما در این نوشتار کوشیده‌ایم تا با بررسی اوزان اشعار او تنوع‌جویی او را نشان دهیم. روش ما در این بررسی چنین است:

۱- کلیه اشعار سلمان در دیوان تقطیع شده و محور و زحاف آن مشخص گردیده است.

۲- محور بر اساس کمیت مرتب شده‌اند و در هر بحر وزنی‌های آن با ذکر تعداد معین شده است.

۳- اوزان دوری مشخص شده‌اند.

قبل از بررسی محور ذکر نکات ذیل ضروری می‌نماید:

۱- ما در این بررسی از دیوان اشعار سلمان ساوجی، به اهتمام منصور مشفق، چاپ دوم، انتشارات صفی علی‌شاه، تهران، ۱۳۶۷ بهره جسته‌ایم.

مصراعها و در نیم مصراعهای اوزان دوری، بلند (-) محسوب شده و زحاف قصر معادل حذف تلقی گردیده است.

۳- وزن مخبون محذوف و وزن (زحاف) مخبون اصلم را جداگانه حساب کرده‌ایم با آگاهی از اینکه می‌توان این دو وزن را یکی دانست.

۴- متأسفانه در مطلع بعضی از غزلها اشکالات وجود دارد که به وزن لطمه می‌زند، این اشکالات می‌تواند چایی باشد.

۵- ارکان بعضی از اوزان را می‌توان به گونه‌ای دیگر تقطیع کرد، در این حال طبیعتاً زحاف بحر دیگری خواهند بود و نام دیگری خواهد داشت. سلمان ساوجی اشعار خود را در ده بحر رمل، هزج، مضارع، مجتث، رجز، منسرح، خفیف، متقارب، سریع و کامل سروده است که در ادامه این نوشتار به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱- بحر رمل: غزل، قصیده و ترجیع سلمان ساوجی در این بحر سروده شده که تقریباً ۴۶ درصد کل غزلها، قصاید و ترجیعات اوست. سلمان ساوجی از هفت زحاف بحر رمل استفاده کرده است که به ترتیب کمیت به آن اشاره خواهد شد.

الف) مثنی محذوف (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) یکصد و دوازده شاهد مثال:

جان نیاید در نشاط الا که بر بوی حبیب
تا گل رنگین نیابد خوش نئالد عندلب
(۱۱/۱۵)

روزی از رویت مگر طرف نقاب افتاده است
در دل خورشید و مه زان روی تاب افتاده است
(۱۰/۵۰)

ب) مثنی مخبون اصلم (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) (۶۰ عدد)
اگر این سوی می‌انم به کنار آید باز
گلبن عیش مرا نازه بهار آید باز
(۸/۱۸۹)

صنما مرده آنم که تو جانم باشی
می‌دهم جان که دگر جان جهانم باشی
(۷/۳۰۹)

پ- مثنی مخبون محذوف (تعداد ۳۱)
(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن)

نظری نیست به حال منت ای ماه چرا
سایه برداشت ز من مهر تو ناگاه چرا
(۴/۱۲)

سر سودای سر زلف تو تا در سر ماست
همچو مویث سر سودایی ما بی سر و پاست
(۱۷/۴۴۴)

ت- مدس محذوف

(فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) (تعداد ۷)
می‌کشم دردی که درماتش نیست
می‌روم راهی که پایانش نیست
(۴/۵۳)

دوشم آن گلچهره در آغوش یود
جبذا وقتی که ما را دوش یود
(۴/۱۰۰)

ث- مثنی مشکول (مخبون مکحوف)

(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) (تعداد ۴)
مبار دل به هر کس که رخ چو ماه دارد
به کسی مبار دل را که دلت نگاه دارد
(۲/۱۲۲)

صفت خرابی دل به حدیث کی برآید
سخن درون عاشق به زبان کجا برآید
(۸/۱۶۲)

صنمی اگر جفایی کشد این جفا نباشد
ز صنم وفا چه گوئی که در او وفا نباشد
(۸/۱۳۲)

ج- مدس مخبون اصلم (تعداد ۲)
(فاعلاتن فاعلاتن فع لن)

در سرم زلف تو سودا انداخت
کار من زلف تو در پا انداخت
(۷/۳۵)

چ- مدس مخبون محذوف

(فاعلاتن، فاعلاتن، فعلن) (تعداد ۱)
من خرابانسی ام و باده پرست
در خرابات منان باده به دست
(۳/۵۹)

۲- بحر هزج :

سلمان ساوجی ۹۰ غزل، قصیده و ترجیع خود را در این بحر سروده است که حدوداً نوزده درصد از اشعار این شاعر را در برمی گیرد سلمان از پنج زحاف بحر هزج سود جسته که بدین قرار می باشد:

۱- مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف (تعداد ۳۵)

بیمار غمت را بجز از صبر دوا نیست
صبر است دوی من و دردا که مرا نیست

(۳/۵۷)

رفتند رفیقان و رسیدند به منزل

در خواب غروری، تو هنوز ای دل غافل

(۱۸/۵۵۸)

ای منزل ماه علمت اوج ثریا

روی ظفر از آینه تیغ تو پیدا

(۱/۳۴۹)

۲- سدس محذوف (تعداد ۴)

(مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

سحرگه بلبللی آواز می کرد

همی نالید و با گل راز می کرد

(۱/۸۹)

رفیقان کاروان امشب روان است

دل مسکین من با کاروان است

(۱/۶۸)

۱- مثنیٰ مخبون اصلم

(مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فع لن) (تعداد ۴۴)

جهان جان بگرفتی به حسن عالم گیر

جهان چه باشد و جان چیست هر چه خواهی گیر

(۲/۱۸۶)

مرا که نقش جمال تو در درون آید

عجب مدار ز اشکم که لاله گون آید

(۱/۱۴۸)

مرا خیال تو از سر به در نخواهد شد

شمایل تو پیش نظر نخواهد شد

(۲/۱۷۵)

خیال نرگس منتت بیست خوابم را

کنند طره شنتت ببرد تابم را

(۱۲/۱۴)

اگر غمی است مرا بر دل از غمش غم نیست

مباد شاد بدین غم دلی خرم نیست

(۹/۳۱)

۲- مثنیٰ مخبون محذوف

(مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعولن) (تعداد ۱۴)

ز درد عشق دل و دیده خون گرفت مرا

سپاه عشق درون و برون گرفت مرا

(۵/۱۴)

نه قاصدی که پیامی به نزد یار برد

نه محرّمی که سلامی بدان دیار برد

(۷/۱۲۵)

بسم نبود جنای رخ چو پاسمش

پنجه نیز گرفتت جانب سمش

(۸/۵۲۰)

۳- مثنیٰ مخبون

(مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن) (تعداد ۷)

به آستین ملالم مران که من به ارادت

نهادم بر طاعت بر آستان عبادت

(۸/۲۶)

هر آن حدیث که از آن عشق می کنند روایت
خلاصه سخنت آن و مابقی است حکایت
(۱/۴۹)

تو شمع مجلس انسی و از صفا همه رویی
سر از برای چه نابی ز ما نهان به چه رویی
(۴/۳۱۱)

۳- بحر مضارع :

۶۷ غزل، قصیده و ترجیع سلمان ساوجی در این بحر است، این بحر در اشعار سلمان ساوجی مقام سوم را داراست که حدود چهارده درصد اشعار سلمان را در برمی گیرد. سلمان از دو زحاف بحر مضارع استفاده کرده است که ترتیب آن چنین است:

۱- مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف

(مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن) (تعداد ۴۳)

دردا که درد کرد سواد بصر خراب

ایام ساخت چشمه چشم مرا سراب

(۴/۳۹۱)

دل را هوای چشم تو بیمار می کند

جان را امید وصل تو تیمار می کند

(۱/۴۶۷)

هر دم به تیر غمزه دلم را چه می رتی

خود را گذاشتم نه تو خود در دل منی

(۱/۲۹۶)

من هر چه دیده ام ز دل و دیده دیده ام

گاهی ز دل بود گله گاهی ز دیده ام

(۳/۲۳۴)

ای عمر رفته باز نمی آیی از سفر

وی بخت خفته هیچ نداری ز ما خبر

(۹/۱۸۴)

۲- مثنیٰ اخرب

(مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن) (تعداد ۲۴)

در این دو زحاف که سلمان در این بحر از آن سود

جسته شماره ۲ دوری است.

خوش دولتی است عشقت تا در سر که باشد

پیدا بود کزین می در ساغر که باشد

(۲/۱۱۹)

زنجیر جعد زلفت زد حلقه بر در دل

خیل خیال ماهت در دیده ساخت منزل

(۱۱/۵۵۲)

۳- مثنیٰ سالم

(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) (تعداد ۴۱)

چو رویت هرگزم نقشی به خاطر در نمی آید

مرا خود جز تو در خاطر کسی دیگر نمی آید

(۲/۸۱)

به چشم و غمزه و رخسار و ابرو می برد دلبر

قرار از جسم و خواب از چشم و هوش از عقل از سر

(۱۲/۵۰۸)

۴- سدس اخرب (مقبوض محذوف)

(مفعول مفاعیلن فعولن) (تعداد ۳)

ای ذروه لائک آستان

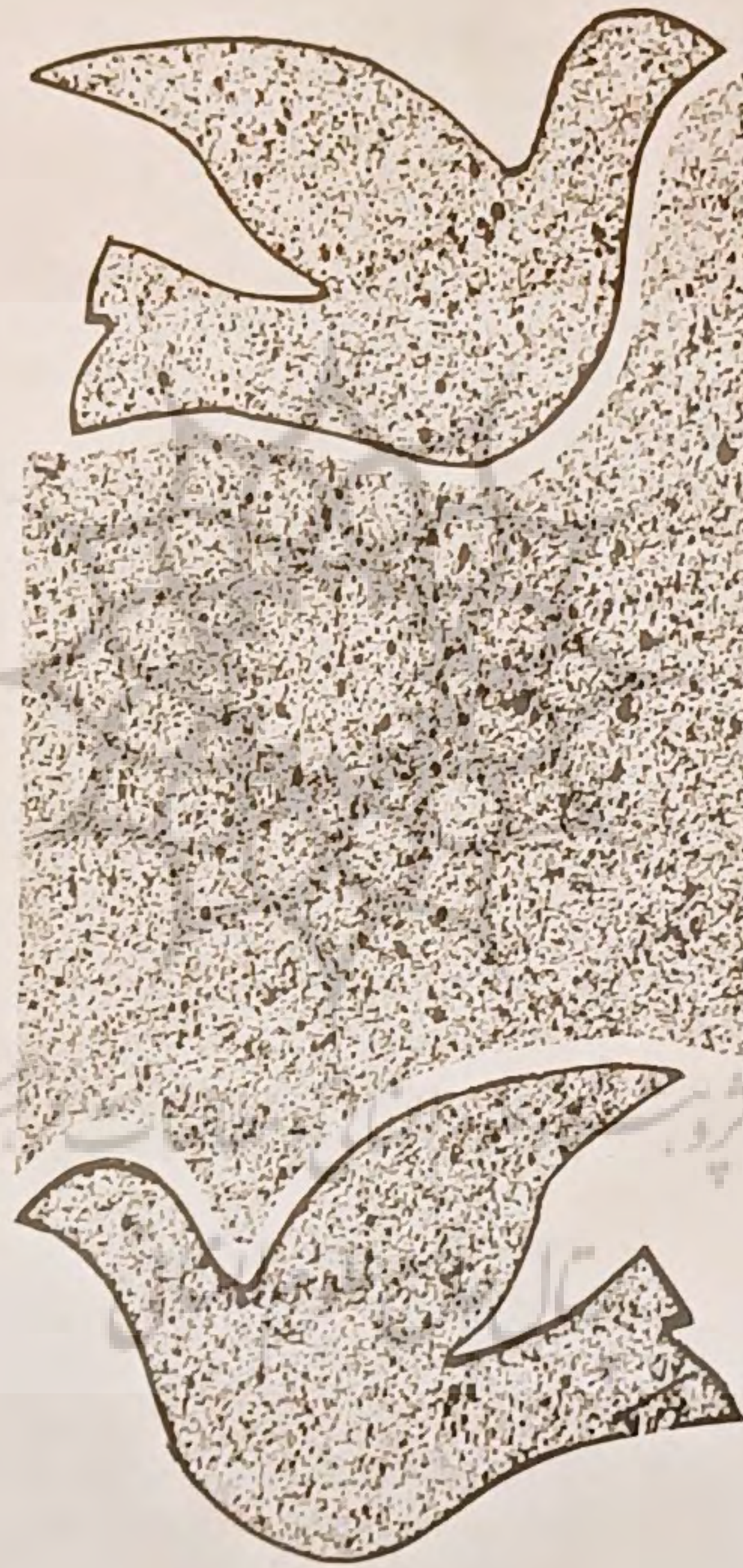
معراج ملالک آستان

(۱/۳۱۷)

سایم کشیده داغ شاهی

مشان شراب صبحگاهی

(۱۷/۳۳۲)



۵- مثنیٰ اخرب

(مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن) (تعداد ۷)
لازم به تذکر است که از میان اوزان بحر هزج وزن شماره ۵ از اوزان دوری می باشد.

امشب من و تو هر دو مستیم ز می اما
تو مست می حسنی من مست می سودا
(۶/۱۳)

گر وقت سحر بادی از کوی تو برخیزد
هر جا که ولی باشد در دامش آویزد
(۷/۱۱۰)

شبهای فراق را آخر سحری باشد
وین ناله شبها را روزی اثری باشد
(۴/۱۷۰)

۴- بحر مجتث

۶۵ غزل، قصیده و ترجیع در دیوان سلمان ساوجی در بحر مجتث سروده شده است. این بحر در شعر سلمان ساوجی چهارمین مقام را داراست، سلمان ساوجی با اختصاص تقریباً چهارده درصد از غزلهای خود به بحر مجتث از سه زحاف آن استفاده کرده است. زحافات سلمان ساوجی در بحر مجتث عبارتند از:

بر هر ورق ز حسنش نقشی است تا که خواند
بر هر سخن ز رازش رمزی است تا که داند
(۱/۱۷۶)

یاد هوای کویست گرد از جهان برآرد
آب جمال رویت ز آتش فغان برآرد
(۸/۱۲۹)

ای داده درد عشقت ما راز جان جدایی
مشکل کسی ز دستت یابد به جان رهایی
(۹/۲۸۳)

ما را بجز خیالت فکری دگر نباشد
در هیچ سر خیالی زین خوبتر نباشد
(۲/۱۶۲)

۵- بحر خفیف

وی پنج غزل، قصیده و ترجیع خویش را در این بحر سروده است که تقریباً ده درصد کل اشعار اوست. سلمان از یک زحاف بحر خفیف استفاده کرده است زحافی که سلمان در این بحر از آن سود جسته عبارت است از:

۱- مسدس مخبون اصلم
فاعلاتن مفاعلن فع لن (تعداد ۵)
پرده از رویش ای صبا بردار
این حجاب از میان ما بردار
(۷/۱۸۵)

با خیال تو عشق می رانیم
وزبان تو نقش می خوانیم
(۱۳/۳۲۷)

ای پسر نیستی ز هستی به
بت پرستی ز خود پرستی به
(۱۰/۲۷۱)

۶- بحر رجز

۱۵ شعر از اشعار سلمان (غزل و قصیده) در این بحر است که تقریباً سه درصد کل اشعار اوست. زحافات سلمان استفاده کرده است عبارتند از:

۱- مثنیٰ سالم (تعداد ۱۳)
(مستعلن مستعلن مستعلن مستعلن)

نقشی است هر ساعت ز نو این دور لعبت باز را
ای لعبت ساقی بیار آن جام جسم پرداز را
(۴/۳)

عید است و برخیز ای صنم پیش آر پیش از صبحدم
بر باد جمشید زمان جام اندر جام جم
(۱۷/۵۶۴)

من کیستم تا باشدم سودای شما
اینم که بس آید ز من بویی ز گلزار شما
(۶/۶)

آمد به برج عاشقان ماه ثریا منزلت
ای ماه مهر افروز من بادا مبارک منزلت
(۸/۲۱)

۲- مثنیٰ مطوی منخور

مفتعلن مفاعلن، مفتعلن مفاعلن (تعداد ۲)
لازم به یادآوری است که زحاف دوم دوری است

کیست که قصه مرا پیش نگار من برد
باد مگر به گوش او ناله زار من برد
(۹/۱۵۶)

از رخ صبح می کشد صبح نقاب عنبری
حور بهشت روی من خواه شراب کوثری
(۵/۶۲۱)

۷- بحر متقارب

سلمان ساوجی از بحر متقارب نیز سود جسته یعنی چهار شعر از اشعار او که معادل تقریباً یک درصد از تمام اشعار اوست در این بحر سروده است.

زحافات سلمان در بحر متقارب از آن استفاده کرده عبارتند از:

۱- مثنیٰ سالم
(فعولن فعولن فعولن فعولن) (تعداد ۳)
رسولا خدا را به جایی که دانی
چه باشد گر از من دعایی رسانی
(۸/۲۹۸)

بهار و نگار و شراب و جوانی
کسی را که باشد زهی زندگانی
(۱۷/۶۰۸)

سقی الله لیلاً کصدغ الکواب
شبی عنبرین خال و مشکین ذواب
(۱/۴۰۰)

۲- مثنیٰ محذوف

(فعولن فعولن فعولن فعل) (تعداد ۱)
ز کویش نسیم صبا بوی برد
به بویش دلم پس بدان کوی برد
(۵/۸۵)

۸- بحر منسرح

هشت غزل و قصیده سلمان ساوجی در بحر منسرح سروده شده است و تقریباً دو درصد اشعار او می باشد.

زحافات سلمان در بحر منسرح از آن سود جسته عبارتند از:

۱- مثنیٰ مطوی منخور
(مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع) (تعداد ۱)
صبح جمال رخت چو در نظر آرد
طلعت خورشید را به خنده درآرد
(۷/۴۸۱)

۲- مثنیٰ مطوی مکشوف

(مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن) (تعداد ۷)
لازم به تذکر است که وزن دوم وزن دوری است. مستی و عشق از ازل پیشه و آیین ماست
دین من این است و بس کیست که بر دین ماست
(۱۰/۲۳)

نشنه خود را دمی لعل تو آبی نداد
خلوت ما را شبی شمع تو بابی نداد
(۳/۱۱۷)

دل پی دلدار رفت دیده چون آن حال دید
اشک به دندان گرفت دامن و در پی دوید
(۳/۱۴۳)

جوشش می مدعی دید و بیچید سر
زاری چگش به گوش آمد و بگرفت گوش
(۹/۱۹۹)

دولت سلطان اویس عرصه دوران گرفت
ماه سر سنجقش سر حد کیوان گرفت
(۱۵/۴۳۲)

ای دهنتم خاتم و ملک جمش در نگین
گرد نگین صف زده مورچه عنبرین
(۴/۵۹۰)

۹- بحر سریع

دو شعر از اشعار (غزل و قصیده) سلمان ساوجی در این بحر سروده شده که حدود چهل و دو صدم درصد اشعار شاعر است، سلمان فقط یک زحاف بحر سریع را به خدمت گرفته است.

۱- مسدس مطوی مکشوف
(مفتعلن مفتعلن فاعلن) (تعداد ۲)
خسته ام ای یار ندارم طیب
هیچ طبیعی نبود چون حیب
(۵/۱۶)

۱۰- بحر کامل

بحر کامل تنها یک غزل شاعر را در دل خود جای داده است و تقریباً بیست و یک صدم درصد اشعار سلمان می باشد وزن تنها غزل سلمان در این بحر چنین است:

۱- مثنیٰ سالم
(مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن) (تعداد ۱)
به صنوبر قد دلکشش اگر ای صبا گذری کنی
ز هوای جان حزین من دل خسته را خبری کنی
(۲/۲۷۴)

پی نوشت:

۱- خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۲۴.

۲- شفیع کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۵۰.

منابع:

۱- خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۳.

۲- ساوجی، سلمان، دیوان سلمان ساوجی، به اهتمام منصور مشفق، تهران: انتشارات صفی علی شاه، ۱۳۶۷.

۳- شفیع کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۸.

۴- رشد آموزش ادب فارسی، سال هفتم، زمستان ۷۰.